

نتیجه الگوسازی اشتباه در شبکه های اجتماعی چیست؟



جامعه‌پذیری «فرآیندی است که بر اساس آن، فرد به اکتساب قوانین، رفتار و نظام باورها و بازخوردهای جامعه یا گروه مشخصی دست می‌یابد تا بتواند در درون آن جامعه زندگی کند».

ایران هشدار- همه ما در فرهنگی متولد شده‌ایم و در آن بزرگ می‌شویم. فرهنگ‌ها ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای منحصربفردی را برای افراد چارچوب‌بندی می‌کنند و افراد خود را ملزم می‌دانند که فراتر از چارچوب‌های فرهنگی عمل نکنند. فرهنگ ویژگی‌های متعددی دارد که در اینجا دو ویژگی آن برای ما مهم است:

۱. فرهنگ ابزاری برای کنترل و داوری است

۲. ما فرهنگ را یاد می‌گیریم؛

با این وجود هیچکدام از ما بسیاری از وجوه فرهنگ را در کلاس‌های درس و مدرسه نیاموخته‌ایم ولی درعین حال از آن پیروی می‌کنیم. علت این امر چیست؟ علت در این کلمه خلاصه می‌شود: جامعه‌پذیری.

در واقع، جامعه‌پذیری «فرآیندی است که بر اساس آن، فرد به اکتساب قوانین، رفتار و نظام باورها و بازخوردهای جامعه یا گروه مشخصی دست می‌یابد تا بتواند در درون آن جامعه زندگی کند». در جامعه‌پذیری، جامعه به القای ارزش‌ها و هنجارهای خویش به افراد نائل می‌آید. از طریق اجتماعی‌شدن، فرد شیوه‌های زندگی جامعه خود را فرا می‌گیرد، شخصیتی کسب می‌کند و آمادگی رفتار به عنوان عضوی از یک جامعه را پیدا می‌کند. او یاد می‌گیرد خودش را با سیستم جدید انطباق داده و رفتاری مطابق با انتظارهای جامعه انجام دهد. (کاوه، ۱۳۹۲)

یادگیری اجتماعی چه فایده‌ای دارد؟

همانگونه که اشاره شد ما وجوه مختلف فرهنگ را آموزش می‌بینیم، یاد می‌گیریم و سپس به آن عمل می‌کنیم. یکی از مهمترین نهادهای ریشه‌داری که از دیرباز به حیات خود در جامعه، چه جامعه ساده چه جامعه پیچیده، ادامه داده است، نهاد آموزش است. بسیاری از سطوح فرهنگ را طی فرایند رسمی و از طریق آموزش مدرسه‌ای یا آموزش رسانه‌ای فرا می‌گیریم اما بسیاری دیگر را نیز از طریق کانال‌های غیررسمی می‌آموزیم.

یکی از مهمترین کارهایی که خانواده و مدرسه در آغاز سنین کودکی و نوجوانی کودکان انجام می‌دهد، تلاش در جهت آموزش کودکان برای فراگیری نیازهای ضروری زندگی و سازگاری با چارچوب‌های اجتماعی است. این فرایند، فایده‌هایی دارد. برای نمونه:

۱. به عنوان عنصری هویت‌بخش فرد را به خود و جامعه می‌شناساند؛

۲. به فرد کمک می‌کند تا نیازهای اساسی خود را در بستر اجتماعی برطرف سازد؛

۳. فرد را در برابر قضاوت‌های ارزشی و هنجاری جامعه مصون نگه می‌دارد.

مراحل یادگیری اجتماعی

آلبرت بندورا، سه مرحله را برای یادگیری اجتماعی ذکر می کند:

۱. مشاهده: اول رفتارهای فرهنگی و اجتماعی را مشاهده می کنیم؛
۲. تشویق درونی: ذهنیت نقشی اساسی در یادگیری دارد. فرد باید رفتاری را در درون خود رضایت بخش بیابد تا آن را انجام دهد؛
۳. فرایند مدل سازی: یادگیری، زمانی به رفتار بدل می شود که مدل سازی شود. مدل سازی شامل مواردی از جمله توجه، به خاطر سپردن، بازسازی و انگیزه می شود.

رسانه ها برهم زننده قاعده بازی

رسانه ها به سبب ماهیت کارکردگرایی که دارند، نقش های متفاوتی را می توانند ایفا کنند. رسانه ها می توانند به عنوان ابزار آموزشی در اشاعه و آموزش عناصر مختلف فرهنگی حضور داشته باشند. اما رسانه حداقل این کار را کرده است که فرهنگ ها را در نوردیده و آنها را با هم مواجه ساخته است. این را ترکیب کنید با شرایط خاصی که خرده فرهنگ ها در دوره جدید به خود گرفته اند. در دوره جدید در کنار مفهوم فرهنگ، مفهوم خرده فرهنگ نیز در حال رشد و گسترش است. امروزه ما صرفاً با یک فرهنگ واحد مواجه نیستیم بلکه فرهنگ های متنوعی را در کنار خود می بینیم که هم نمادهای فرهنگی دارند و هم رفتار منحصر به فرد خود را دنبال می کنند. تا قبل از ظهور اینترنت و شبکه های اجتماعی، خرده فرهنگ ها بستری برای ارائه و نمایش خود نداشتند اما از زمان پیدایش فضای مجازی کنترل های رسمی رنگ باخت و همه افراد جامعه و حتی خرده فرهنگ ها فرصتی برای اظهار نظر و نمایش خود به دست آوردند. با توجه به کارکرد آموزشی رسانه ها، بازتاب و نمایش رفتار خرده فرهنگ ها می تواند برای دیگر افراد جامعه جنبه آموزشی داشته باشد و حد افراط شده آن این می شود که این فضا به فضایی رقابتی بدل خواهند شد. در ادامه می بینیم چگونه رقابت شکل می گیرد.

بچه پول دارهای تهران: آموزش مدلی از زندگی

شبکه اجتماعی اینستاگرام، فضای مناسبی برای راه افتادن کمپین ها و چالش ها ... است. اگر در شبکه های اجتماعی دیگر شما می توانید صرفاً متن را منتشر کنید در این شبکه اجتماعی فعلاً نمی توانید متن صرفاً را منتشر کنید. «عکس» پایه اصلی پیام در اینستاگرام است. در واقع، اینستاگرام فرهنگ نمایشی و بصری را دنبال می کند و عکس محور است. هر جریانی هم که راه افتاده عکس یکی از محورهای آن بوده است. اگر چالش های گوناگون و سلفی را مرور کنید، این گفته را تصدیق خواهید کرد. یکی از جریان هایی که به راه افتاد و انبوه خلقی نمایشی، در آن به نمایش خرده فرهنگ خود پرداختند، جریان «بچه پولدارهای تهران» بود. این طبقه از جامعه، زندگی اشرافی خود را در طول روز به نمایش در می آوردند و دارایی های خود را به رخ هم می کشند. اگر این صفحات را دنبال کرده باشید، متوجه خواهید که سوژه های لوکس بهترین بهانه برای نشان دادن بچه پولدار بودن است.

با مروری بر نظریه یادگیری اجتماعی متوجه خواهیم شد که این الگوی رفتاری، کاملاً در راستای این نظریه قابل تحلیل است. براساس فرایندی که در بالا ذکر شد، اولین مرحله یادگیری اجتماعی، «مشاهده» است. یقیناً تبدیل شدن این فرهنگ نمایشی به جریان اجتماعی، با مشاهده آغاز می شود. این جریان ابتدا از جایی شروع شده است. آن جا کجاست؟ می توانیم حدس بزنیم که یا

فردی به صورت خودجوش این کار را آغاز کرده است و با مشاهده دیگران به جریان بدل شده است یا فردی مدل‌ها و سلبریتی‌های غربی را مشاهده کرده است. گام دوم، تشویق درونی است. تا پدیده‌ای برای ما جذاب نباشد ما از آن پیروی نمی‌کنیم. لابد این سبک از زندگی برای طبقه‌ای آنقدر جذاب هست که با فریاد رضایت و تشویق درونی ثروت خود را به رخ می‌کشند و گاهی تنه به تنه هم به کل کل و روکم‌کنی می‌پردازند! گام آخر فرایند مدل‌سازی است که کاملاً در مرحله اجرایی دیده می‌شود و در رفتار آنها تبلور دارد. بنابراین شکل‌گیری این نوع رفتار و تبدیل شدن آن به جریان اجتماعی، ناشی از فرایند یادگیری در سطح خرده‌فرهنگ‌هاست.

این تفسیر لذت‌جو از دنیا چه عواقبی دارد؟ بی‌شک، چنین طبقه‌ای، قشر محدودی از جامعه هستند و اکثر جامعه با سطح زندگی این افراد فاصله دارند. شبکه‌های اجتماعی نیز کنترل‌پذیری کمتری دارند. مسلماً فرایند آموزش و یادگیری با مشاهده آغاز می‌شود. جایی مانند اینستاگرام نیز محلی مشاهده است؛ جایی که در آن همه می‌توانند همه چیز را ببینند. حال بسیاری از افرادی که توانایی زندگی در این سطح را ندارند می‌توانند با مشاهده این رفتار، از الگوی رفتاری آنها آموزش بگیرند و خواسته‌هایی در وجودشان ایجاد شود که با متن واقعی زندگی آنها تفاوت دارد؛ خواسته‌هایی که می‌تواند آغاز یک تعارض باشد!

منبع: گرداب

اداره حراست آموزشکده شهید یزدانپناه سنندج